

این است کتاب سیاست



سیاست‌نامه نویسی یا اندرزنامه نویسی یا *سیرالملوک* نویسی سنتی است در میان سیاستمداران و سیاست‌پیشگان کهن ایرانی که با تکیه بر تجارب شخصی در سیاست و استناد به شواهد تاریخی و همچنین با توجه به نقاط ضعف و قوت پادشاهان گذشته، راه و رسم تثبیت قدرت سیاسی را به پادشاه نشان می‌دادند و وی را از خطرهایی که مهلک یا مفسد حکومت است آگاه می‌ساختند. *سیاست‌نامه‌ها* غالباً توسط افرادی به رشته نگارش درمی‌آمد که یا مستقیماً در اداره امور حکومتی دخالت داشتند یا با نزدیک بودن به امراء و سلاطین، در حوزه سیاست عملی دستی داشتند. نویسندگان این آثار علی‌الاصول نظریه‌پرداز سیاسی نبودند و با تفکر فلسفی در حوزه سیاست نیز چندان آشنا و مأنوس نبودند. ویژگی عمده این دست‌آثار، تأثیرپذیری آنها از سیاست و حکومت در ایران باستان و عملکرد ملوک ایران زمین در ایران قبل از اسلام است.

در مذمت سپردن امور به بی‌اصلان و بی‌فضلان

هرگاه که مجهولان [افراد شناخته نشده] و بی‌اصلان [= افراد بی‌ریشه و هویت باخته] و بی‌فضلان را عمل فرمایند [منصب و مقام دهند]؛ و معروفان و فاضلان و اصیلان را معطل [= بی‌کار] و ضایع بگذارند و یکی را پنج شغل فرمایند و یکی را یک عمل نفرمایند، دلیل بر نادانی و بی‌کفایتی وزیر باشد. پس اگر وزیر، کافی [= باکفایت] و دانا نباشد، علامت آن بود که زوال ملک و دولت

و فساد کار پادشاه می‌طلبید و بدترین دشمنان است، از جهت آنکه چون ده عمل یکی مرد را فرمایند و نه مرد را یک عمل نفرمایند، در آن مملکت مردمان معطل و محروم بیش از آن باشند که مردم با عمل؛ چون چنین باشد، این بیکاران همکاری کنند و باشد که این کار در توان یافت و باشد که در نتوان یافت [یعنی اگر کار بدین جا رسد، شاید بتوان آن را جبران کرد و شاید دیگر نتوان جلوی آن را گرفت].

حکایتی از نانوای ویژه سلطان ابراهیم غزنوی

شنیدم که در غزنین خبازان [= نانوایان] در دکان‌ها بیستند و نان عزیز [= گران، کمیاب] و نیافت شد و غربا [= غریبان] و درویشان در رنج افتادند و به تظلم [= دادخواهی] به درگاه شدند و پیش سلطان ابراهیم از نانوایان بنالیدند. فرمود تا همه [= نانوایان] را حاضر کردند. گفت: چرا نان تنگ کرده‌اید؟ گفتند: هر باری گندم وارد که در این شهر می‌آرد، نانوای تومی خرد و در انبار می‌کند

و می‌گوید: فرمان چنین است و ما را نمی‌گذارد که یک من بار بخریم. سلطان بفرمود تا خباز خاص را بیاوردند و در زیر پای پیل افگندند. چون بمرد بر دندان پیل بیستند و در شهر بگردانیدند و بروی منادی می‌کردند که هر که در دکان بازنگشاید از نانبایان، با او همین کنیم و انبارش [= انبار نانوای شاه] خرج کردند. نماز شام [= هنگام نماز مغرب] بر در هر دکانی پنجاه من نان بمانده بود و کس نمی‌خرید.

حکایت انوشیروان و پیرمردی که گردو می‌کاشت

خواجه حکایتی از نوشیروان آورده است که روزی بر سر راه شکارگاه، پیری نود ساله را می‌بیند که گردو می‌کارد. انوشیروان تعجب می‌کند که آن پیر که پای بربل‌گور دارد چرا گردویی می‌کارد که ثمر و نتیجه‌اش دست کم بیست سال دیگر پدید خواهد آمد، یعنی زمانی که پیر خود در زیر خاک خفته است! از این روز پیرمرد می‌پرسد که هدفش از این کار چیست. پیرمرد پاسخ می‌دهد: کشتند و خوردیم؛ کاربیم و خوردند. نوشیروان را خوش آمد، گفت: زه [= آفرین].

در وقت [= در لحظه] خزینه‌دار هزار دینار بدین پیر داد. پیر گفت: ای خدایگان، هیچ کس بر [= میوه] این گوز [= جوز، گردو] زودتر از بنده نخورد. گفت: چگونه؟ پیر گفت: اگر من گوز نکشتمی و خدایگان اینجا گذر نکردی و از بنده چنان که پرسیدی، نپرسیدی و بنده آن جواب ندادی، این هزار درم از کجا یافتمی؟ نوشیروان گفت: زه‌زه [= آفرین]. خزینه‌دار دو هزار دینار دیگر بدو داد از بهر آنکه دوباره زه بر زلفان [= زبان] او برفت.

یکی از مشهورترین سیاست‌نامه‌های برجای مانده از مردان سیاست ایران زمین، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی است. تاریخ دقیق نگارش کتاب چندان مشخص نیست اما چنان‌چه از محتوای کتاب برمی‌آید، نظام‌الملک نگارش کتاب را به فرمان ملک‌شاه سلجوقی آغاز کرد و در دوره سلطنت محمد بن ملک‌شاه (۴۹۲-۵۱۱ق) به پایان رسانید. نظام‌الملک خود در متن اشاره‌ای به نام کتاب نکرده است هرچند در جایی از کتاب عبارت «در این کتاب سیر» دیده می‌شود. همچنین در پایان کتاب نوشته است: «این است کتاب سیاست». با این وجود در نوشته‌های قدیمی چون تاریخ طبرستان نصیحه‌الملوک امام غزالی نام این کتاب سیرالملوک ذکر شده است. خواجه در مقدمه کوتاهی که بر این اثر نگاشته، درباره چگونگی پیدایش آن گفته است که در سال چهارصد و هفتاد و نه هجری قمری، سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی به جمعی از اهل دربار خویش می‌گوید کتابی بنویسند درباره مملکت داری و حکمرانی و آنچه لازمه پادشاهی است تا بر اساس عمل به آداب و رسوم پسندیده شغل سلطنت، بتوان کارهای دین و دنیا را طبق قاعده‌اش انجام داد و رسوم و قواعد نادرستی را که تا آن روز برقرار بوده، برانداخت و کارها را به قاعده آنچه خداوند فرموده است، به سامان رساند. فرمان سلطان اجرا می‌شود و نوشته‌هایی در آداب مملکت داری به رشته تحریر درمی‌آید، اما از میان همه آن تصنیف‌ها، آنچه مقبول نظر پادشاه می‌افتد، نوشته وزیر او، خواجه نظام‌الملک است.

سیاست‌نامه در دو بخش و جمعا ۵ فصل نگاشته شده است؛ بخش اول شامل ۳۹ فصل و بخش دوم شامل ۱۱ است. در هر فصل ابتدا به بیان دیدگاه خود درباره موضوع فصل پرداخته و ضمن آوردن پند و نصیحت، گاه به آیه و حدیثی استشهد کرده است؛ گاه حکایتی کوتاه برای فهم مطلب آورده و گاه نیز داستانی مفصل و اغلب تاریخی تاگواهی باشد بر تأیید آنچه در آغاز و ضمن فصل مطرح کرده است. برخی از عناوین فصول کتاب بدین قرار است: اندر مظالم نشستن پادشاه و عدل و سیرت نیکو، اندر عمال و پرسیدن پیوسته از احوال وزیران و غلامان، اندر مقطّعان تا با رعایا چون می‌روند، اندر قاضیان و خطیبان و محتسب و رونق کار ایشان، اندر پژوهش کردن و بررسیدن کار دین و شریعت، اندر صاحب‌خبران و منهبیان و تدبیرکارهای مملکت داری، اندر تعظیم داشتن فرمان‌های عالی، اندر جاسوس فرستادن و تدبیر کردن مملکت و رعیت، اندر مشاورت کردن پادشاه با دانایان و پیران، اندر روشن داشتن اموال از جمله لشکر، اندر لشکر داشتن از هر جنس، اندر حق‌گزاردن خدمت‌کاران و بندگان شایسته، اندر احتیاط کردن در اقطاع مقطّعان و احوال رعیت، اندر شتاب ناکردن در کارها مر پادشاهان را، اندر آن که دو عمل یک مرد را نافرمودن و بیکاران را عمل فرمودن.

سیاست‌نامه گلچینی از قطعات کوتاه و بلند است که از منابع مختلف جمع‌آوری شده. نظام‌الملک در پایان کتاب می‌گوید: این کتاب هم پند است، هم حکمت، هم مثل، هم تفسیر قرآن، هم اخبار حضرت محمد(ص)، هم قصص انبیاء، هم سیر اولیاء و هم حکایت پادشاهان عادل. مطالب سیاست‌نامه را می‌توان بر چندگونه تقسیم کرد: پند و اندرز، نقل‌هایی از قرآن مجید، احادیث پیامبر و یاران او، گفته مشاهیر و بزرگان، حکایات کوتاه، حکایات مفصّل، شرح وقایع عصر مؤلف و روایات تاریخی.

در صورت دیانت پادشاه

اردشیر [= اردشیر بابکان، پادشاه ساسانی] گوید: هر سلطانی که توانایی آن ندارد که خاصگیان خویش را به صلاح باز آوردی، باید دانست که هرگز او عامه و رعیت را به صلاح نتواند آورد و در این معنی حق تعالی می‌فرماید: و اندر عشیرتک الاقریبین.

و نیکوترین چیزی که پادشاه را باید، دین درست است؛ زیرا که پادشاهی و دین دو برادرند. هر گه که در مملکت اضطرابی پدید آید، در دین نیز خلل آید، بددینان و مفسدان قوت‌گیرند و هر گه که کار دین با خلل باشد، مملکت شوریده بُوَد و مفسدان قوت‌گیرند و پادشاه را بی‌شکوه و رنجه دل دارند و بدعت آشکارا شود و خوارج زور آرند.

درباره چگونگی اداره امور قاضیان

کاری مهم و نازک [= ظریف] است، از بهر آنکه ایشان بر خون‌ها و مال‌های مسلمانان مسلط‌اند. چون به جهل و طمع و قصد [= غرض] خُکمی کنند، بر حاکمان دیگر لازم شود آن حکم را امضا کردن و معلوم پادشاه گردانیدن و آن کس را معزول کردن و مالش دادن.

و هر گه از ایشان [یعنی قاضیان] عالم، زاهد و کوتاه دست باشد، او را بر آن کار نگاه دارند و هر گه نه چنین بود، او را معزول کنند و به دیگری که شایسته باشد بسپارند و هر یکی را از ایشان بر اندازه کفاف او مشاخره‌ای اطلاق کنند [= مقرر ماهانه تعیین کنند] تا او را به حیانتی حاجت نیافتد؛ که [= زیرا] این،

در مذمت چند شغله بودن

فرمایند یا سه و پنج و هفت؛ و امروز مردم [= شخص، فرد] هست که بی‌هیچ کفایتی که در او هست [= باشد]، ده عمل دارد و اگر شغلی دیگر پدیدار آید هم بر خویشتن زند و اگر سیمش [= نقره] بذل باید کرد، بذل کند و بدو دهند [یعنی اگر شغل تازه‌ای هم پیدا شود، باز طمع دارد که آن را هم نصیب خود کند و در این راه پول خرج می‌کند تا آن مقام هم را به او بدهند] و اندیشه آن نکنند که این مرد اهل این شغل هست یا نه، کفایتی دارد یا نه، در دبیری و تصرف و معاملت راهی بُرد یا نه و چندین شغل که در خویشتن پذیرفته است، به سر تواند بُرد یا نه؟ و باز مردان کافی [= با کفایت] و شایسته و جلد [= زرنگ، چالاک] و معتمد و کارها کرده، محروم گذاشته‌اند.

پادشاهان بیدار و وزیران هوشیار به همه روزگار هرگز دو شغل، یک مرد را نفرموده‌اند و یک شغل، دو مرد را... از بهر آن راکه چون دو شغل یک مرد را فرمایند، همیشه از این دو شغل یکی بر خلل باشد و با تقصیر [= دچار سستی و کوتاهی] و چون نیک نگاه کنی، هر آن کس که او دو شغل دارد، همواره هر دو شغل بر خلل باشد و او مقصّر و ملامت زده؛ و فرمایند [= کارفرما، مقام مافوق] متشکّی [= گله‌مند] و رنجور دل... و هر آن گاه که وزیر بی‌کفایت باشد و پادشاه غافل، نشانش آن باشد که یک عامل [= کارگزار دولت، والی، حاکم] را از دیوان، دو عمل [= شغل و منصب]